آزمون حضوری
شماره پنج

رشته انسانی

خیلی سبز! آزمون
تجربی | ریاضی | انسانی

ویژه کنکور
۱۴۰۲

مرورنامه آزمون آزمایشی خیلی سبز

AKO
گروه مشاوره و برنامه ریزی آکو

نام درس	مباحث	از صفحه	تا صفحه	مؤلف	ویراستار
زبان و ادبیات فارسی (اختصاصی)	علوم و فنون ادبی ۱ درس ۲، ۳ و ۱۱ - صفحهٔ ۲۱ تا ۳۰ و ۸۸ تا ۹۶ علوم و فنون ادبی ۲ درس ۱ - صفحهٔ ۱۲ تا ۱۹ علوم و فنون ادبی ۳ درس ۷ - صفحهٔ ۶۸ تا ۸۲	۲	۱۳	سیاوش خوشدل	زهرا صادقی مالواجردی

درس دوم دهم

شعر و موسیقی ← برانگیختن حس و حال عاطفی

کوشش شاعر: انتقال نمودهای عاطفه (اندوه، شادی، امید، یأس، حیرت، تعجّب)

عاطفه: اساسی‌ترین عامل پیدایی شعر

ابزار شاعر برای انتقال عاطفه: به کمک زبان و گزینش واژه‌ها به صورتی که آهنگی پدید آورد.

وزن و آهنگ ← انتقال بهتر حس و عاطفه

وزن و آهنگ کوبنده و کوتاه ← غنی‌ترکردن بار حماسی فضای شعر

تأثیر وزن در شعر: مهم‌ترین و مؤثرترین عامل پس از عاطفه ـ احتمال کم‌تربرانگیختن عواطف بدون وزن

انتظار از شعر: امکان خواندن به صورت زمزمه و آواز ← علّت بیشتر خواندن شعر از نثر

جایگاه وزن در شعر: فاقد جنبهٔ تزئینی، جزء طبیعت شعر و لازمهٔ نشان‌دادن عواطف

اثرگذاری گوش‌نوازی و خوش‌آهنگی بر انسان ← بهره‌گیری از کشش و جاذبهٔ آهنگ و کلام موزون در بیشتر کتاب‌های مقدّس

وزن: ادراکی حاصل از احساس نظم به وسیلهٔ حواس ما

توجّه به فضای عاطفی و آهنگ متن ← کشف لحن مناسب ← خواندن دلنشین‌تر و درک آسان‌تر محتوا

درس سوم دهم

بدیع: دارای دو نمود لفظی و معنوی ـ عوامل پدیدآورندهٔ موسیقی لفظی: بدیع لفظی

تکرار واج و واژه: ناپسند در زبان عادی ـ افزایش‌دهندهٔ جاذبه و کشش و گوش‌نوازی در زبان ادبی

انواع تکرار در متون ادبی: تکرار واژه، تکرار واج یا آوا، گاهی تکرار کل عبارت یا جمله

واج‌آرایی: تکرار یک واج (صامت یا مصوت) به گونه‌ای که بر موسیقی و تأثیر آن بیفزاید.

مثال

فغان کاین لولیان شوخ شیرین‌کار شهرآشوب / چنان بردند صبر از دل که ترکان خوان یغما را (حافظ)

تکرار صامت «ش»، (چهار بار) و مصوت / ـِ / (سه بار) در مصراع نخست، واج‌آرایی پدید آورده است.

مثال

چو آمد به نزدیک اروندرود / فرستاد زی رودبانان درود (فردوسی)

تکرار صامت «د»، (هشت بار)، در این بیت واج‌آرایی پدید آورده است.

مثال

پرورش‌آموز درون‌پروران / روزبرآرندهٔ روزی‌خوران (نظامی)

تکرار صامت «ر»، (ده بار) در این بیت واج‌آرایی پدید آورده است.

مثال

ملکا مها نگارا صنما بتا بهارا / متحیّرم ندانم که تو خود چه نام داری (سعدی)

تکرار مصوت بلند «آ»، (هشت بار) در مصراع نخست این بیت واج‌آرایی پدید آورده است.

مثال

زاهد و عجب و نماز و من و مستی و نیاز / تا تو را خود ز میان با که عنایت باشد (حافظ)

تکرار مصوت کوتاه«ـَ»، (شش بار) در مصراع نخست این بیت واج‌آرایی پدید آورده است. این مصوّت، دو بار نیز در مصراع دوم آمده و مجموعاً هشت بار در بیت آمده است؛ در نتیجه می‌توان واج آرایی را در سطح بیت دانست.

واج‌آرایی صامت‌ها از واج‌آرایی مصوّت‌ها محسوس‌تر است.

تکرار: تکرار واژه‌ها با محوریت جنبهٔ موسیقایی و آوایی سخن و نه شکل نوشتاری

مثال

جهانی کاندرو هر دل که یابی پادشا یابی / جهانی کاندرو هر جان که بینی شادمان بینی (سنایی غزنوی)

در این بیت، پنج واژه در آغاز دو مصراع، تکرار شده است: جهان ـ که ـ اندر ـ او ـ هر

مثال

پیدا به سخن باید ماندن که نمانده است / در عالم، کس، بی‌سخنِ پیدا، پیدا (ناصرخسرو)

در این بیت، واژهٔ «پیدا» سه بار و واژهٔ «سخن» دو بار تکرار شده است.

باید دقّت داشت که واژه‌های تکرارشده معنای یکسان داشته باشند. اگر دو واژه با ظاهر یکسان، تفاوت معنا داشته باشند، آرایهٔ جناس همسان (تام) خواهیم داشت و نه تکرار. مثال:

مثال

برادر که در بند خویش است، نه برادر، نه خویش است. (سعدی)

در این عبارت، «برادر» تکرار شده است، ولی «خویش» نخست به معنای «خود» و «خویش» دوم به معنای «خویشاوند» است و جناس همسان می‌سازد.

درس یازدهم دهم

شعر: سخن خیال‌انگیز، موزون، سرشار از عاطفه و احساس

وزن: عامل زیبایی و اثرگذاری شعر و لازم برای آن

قافیه: بایستهٔ دیگر برای شعر، عامل افزایش بار موسیقایی و خوش‌آهنگی و زیبایی شعر و گوش‌نوازی آن

ردیف: واژهٔ تکراری بعد از واژهٔ قافیه (با لفظ و معنای مشترک)

قافیه: واژهٔ دارای حرف یا حروف مشترک، در پایان مصراع‌ها (متناسب با قالب شعر)

حروف قافیه: حرف یا حروف مشترک واژه‌های قافیه، شامل حروف اصلی و حروف الحاقی

حروف اصلی قافیه؛ تابع دو قاعده

۱ قاعدهٔ ۱: مصوت بلند«آ» و مصوت بلند «او» می‌تواند به تنهایی اساس قافیه باشد؛ مثال:

ز شعر قدر و بها یافتند اگر شعرا منم که شعر ز من یافته است قدر و بها (ملک‌الشعرا محمدتقی بهار)

در این بیت از آغاز یک قصیده، دو واژهٔ پایانی «شعرا» و «بها» هستند. وجه اشتراک این دو واژه در پایان، مصوت بلند/ آ / است. همین مصوت بلند «آ»، حرف قافیه و همان دو واژه نیز، کلمات قافیه هستند.

حتّی اگر حروف ما قبل مصوت مشترکی که اساس قافیه است، مشترک باشند، آن حروف مشترک را جزئی از حروف قافیه نمی‌شماریم؛ برای مثال، به این بیت دیگر از ملک‌الشعرا بنگرید:

دگر باره خیّاط باد صبا بر اندام گل دوخت رنگین‌قبا

در این بیت علاوه بر مصوت «آ»، مصوت «ـَ» و صامت «ب» نیز اشتراک دارند، ولی حرف و اساس قافیه، همان مصوت بلند پایانی است و دو واج ماقبل آن حرف قافیه شمرده نمی‌شود.

مثال دیگر:

در ایـــن رقـص و در ایـن هـای و در این هـــو مـــیـان مـــاسـت گَـــردان مـــیـــرِ مَـــه‌رو (مولوی)

۲ قاعدهٔ ۲: یک یا دو صامت مشترک پایانی به همراه مصوّت مشترک پیش از آن یک یا دو صامت.

مثال

به نام خداوند جان و خرد / کز این برتر اندیشه برنگذرد (فردوسی)

صامت مشترک پایانی: / د / – مصوّت مشترک: / ـَ / ⇐ حروف قافیه: / ـَد /

مثال

نه بر اوج ذاتش پرد مرغ وهم / نه در ذیل وصفش رسد دست فهم (سعدی)

دو صامت مشترک پایانی: / ه / و / م / – مصوّت مشترک: / ـَ / ⇐ حروف قافیه: / ـَهم /

حروف الحاقی: حرف یا حروف مشترکی با ماهیت دستوری یکسان در انتهای واژه‌های قافیه و پس از حروف اصلی قافیه که در قاعده‌های پیش‌گفته معرفی شد، تکرار شده است.

انواع حروف الحاقی: شناسه‌ها، ضمایر متصل، پسوندها، صامت «ی» بعد از برخی واژه‌های مختوم به «ا» و «و»، مصوّت‌های کوتاه و مصوّت بلند /ای/.

آخرین حرف اصلی قافیه: رَویّ.

مثال

هر پارهٔ خاک را چو **ماهی** کردی / وآنگه مه را قرین **شاهی** کردی

آخر ز فراق هر دو آهی کردی / زآن آه به سوی خویش **راهی** کردی (مولوی)

کردی: ردیف

مصوّت /ای/: حرف الحاقی

مصوّت /آ/ و صامت / ه /: حروف اصلی قافیه

مثال

ای چرخ فلک خرابی از **کینهٔ** توست / بیدادگری شیوهٔ **دیرینهٔ** توست

ای خاک اگر سینهٔ تو بشکافند / بس گوهر قیمتی که در **سینهٔ** توست (خیّام)

توست: ردیف

مصوّت کوتاه / ـِ /: حرف الحاقی

مصوّت /ای/ و صامت / ن /: حروف اصلی

مثال

بر مفرش خاک **خفتگان** می‌بینم / در زیر زمین **نهفتگان** می‌بینم

چندانکه به صحرای عدم مینگرم / ناآمدگان و **رفتگان** می‌بینم (خیّام)

می‌بینم: ردیف

ـان: حروف الحاقی (علامت جمع، پسوند مشترک)

مصوّت کوتاه / ـِ /: حرف الحاقی قافیه

ـُفت: حروف اصلی قافیه

مثال

آن سیل که از قوّت خود **جوشان** بود / با هر چه که پیش آمدش **کوشان** بود (عطّار)

بود: ردیف

ـان: حروف الحاقی قافیه (پسوند مشترک برای ساخت صفت فاعلی)

ـوش: حروف اصلی قافیه

مثال

دانی که چیست دولت دیدار یار **دیدن** / در کوی او گدایی بر خسروی **گزیدن** (حافظ)

ـَن: حروف الحاقی قافیه (پسوند مشترک برای ساخت مصدر)

ـید: حروف اصلی قافیه

مثال

سَمَن بویان غبارِ غم چو بنشینند، **بنشانند** / پری رویان قرار از دل چو بستیزند، **بستانند** (حافظ)

ـَند: حروف الحاقی قافیه (شناسهٔ مشترک)

ـان: حروف اصلی قافیه

مثال

گر باد هوای کوی سرایت **سپرد** / می دان تو که جان ز دستم ای جان **نبرد**

اندیشه نخواهم که به تو برگذرد / رشک آیدم از دیده که در تو **نگرد** (مسعود سعد سلمان)

ـَد: حروف الحاقی قافیه (شناسهٔ مشترک)

ـَر: حروف اصلی قافیه

مثال

چو از زلف شب باز شد **تاب‌ها** / فرومُرد قندیل **محراب‌ها** (منوچهری دامغانی)

ها: حروف الحاقی (پسوند مشترک، علامت جمع)

ـاب: حروف اصلی قافیه

مثال

ارکان گهر است و ما **نگاریم** همه / وز قرن به قرن **یادگاریم** همه

کیوان گُرد است و ما شکاریم همه / واندر کف آز **دلفگاریم** همه (ناصرخسرو)

همه: ردیف

یم: حروف الحاقی قافیه (پسوند مشترک)

ـار: حروف اصلی قافیه

- صامت «گ» با این‌که در هر سه مصرع، مشترک است، ولی جزئی از حروف قافیه به شمار نمی‌رود. چون پیش از مصوّت مشترک قرار دارد.

مثال

خه از کجات پرسم چونست **روزگارت** / ما را دو دیده باری خون شد در **انتظارت** (انوری)

ـَت: حروف الحاقی قافیه (ضمیر پیوستهٔ مشترک)

ـار: حروف اصلی قافیه

نکتهٔ مهم در تشخیص و تعیین حروف الحاقی: همان‌طور که در تعریف این حروف ذکر شد و در مثال‌ها اشاره شد، در صورتی با حروف الحاقی مواجهیم که آن حروف ماهیت یکسانی داشته باشند.

مثال

ای فروغِ ماهِ حُسن، از روی **رخشان** شما / آبروی خوبی از چاه **زَنَخدان** شما (حافظ)

در این بیت، «ـان» حروف اصلی قافیه است و نه حروف الحاقی. چون «ـان» در مصرع نخست، پسوند است و در مصرع دوم، جزئی از واژه است، نه پسوند.

قافیهٔ درونی: واژه‌های هم‌قافیه درون مصراع‌ها (برای غنی‌ترکردن موسیقی شعر)

مثال

مرده بدم **زنده** شدم گریه بدم **خنده** شدم / دولت عشق آمد و من دولت **پاینده** شدم

دیدهٔ **سیر** است مرا جان **دلیر** است مرا / زُهرهٔ شیر است مرا **زَهرهٔ تابنده** شدم (مولوی)

زنده ـ خنده ـ پاینده / سیر ـ دلیر ـ شیر / زُهره ـ زَهره

ذوقافیتین: وقتی است که واژه‌های ماقبل واژهٔ قافیه نیز هم‌قافیه باشند. البته در این شرایط نیز، همان واژه‌های پایانی قافیهٔ اصلی را ساخته‌اند.

مثال

مقام دل‌گشایش جمع جمع است / جمال جان‌فزایش شمع جمع است (شبستری)

جمع است: ردیف

جمع و شمع: واژه‌های قافیه

دلگشایش و جان‌فزایش: واژه‌های هم‌قافیهٔ پیش از قافیهٔ اصلی

مثال

ای شاه زمین بر آسمان داری تخت / سست است عدو تا تو کمان داری سخت (امیر معزّی)

تخت و سخت: واژه‌های قافیه

داری: واژهٔ تکراری پیش از واژه‌های اصلی قافیه

آسمان و کمان: واژه‌های هم‌قافیهٔ پیش از قافیهٔ اصلی

اهمّیت نوشتار مشترک در حروف قافیه: شکل نوشتاری حروف قافیه باید یکسان باشد و فقط هم‌آوا بودن کافی نیست. بر این اساس، دو واژهٔ «ناس» و «احساس» می‌توانند هم‌قافیه باشند، ولی هیچ‌یک از این دو با «خاص» یا «اثاث» هم‌قافیه نمی‌شود. چند مثال دیگر از واژه‌هایی که علی‌رغم هم‌آوا بودن در حروف پایانی، به علّت تفاوت در نوشتار هم‌قافیه نمی‌شوند.

«ریز»، «تعویض»، «لذیذ» و «حضیض»

«مبهوت»، «منوط»

«فروغ»، «بوق»

«ترجیح»، «توجیه»

«ارائه»، «اشاعه»

قافیه در شعر نو: فاقد محدودیت‌های شعر کهن ـ شاعر اسیر قافیه نمیشود ـ دو یا چند مصرع هم‌قافیه در هر بخش سروده

مثال

لحظهٔ دیدار نزدیک است
باز من دیوانه ام، **مستم**
باز می لرزد، دلم، **دستم**
بازگویی در جهان دیگری **هستم**
های! نخراشی به غفلت گونه ام را تیغ
های! نپریشی صفای زلفکم را **دست**
آبرویم را نریزی، دل
ای نخورده **مست**
لحظهٔ دیدار نزدیک **است** (مهدی اخوان ثالث)

در این شعر، یک بار سه واژهٔ «مستم»، «دستم» و «هستم» قافیه ساخته‌اند و بار دیگر سه واژهٔ «دست»، «مست» و «است».

درس یکم یازدهم

برخی از عوامل سیاسی و اجتماعی مثل روی کار آمدن حکومت‌های غزنوی و سلجوقی و تغییر مرکز ادبی و سیاسی از خراسان به عراق عجم ← تغییر سبک متون زبان فارسی

فاصله‌گرفتن سبک‌های «بینابین» و «آذربایجانی» از «خراسانی» و پدیدآمدن تدریجی سبک «عراقی»

غلبهٔ سبک عراقی از اوایل قرن هفتم تا اوایل قرن دهم

حملهٔ مغولان در اوایل قرن هفتم (۶۱۶ هـ.ق) به نواحی مرزی ایران و سپس چیرگی تدریجی بر دیگر نواحی ← آسیب‌های عمده به نظام اقتصادی، کشاورزی و فرهنگی ایران ـ نابودی خراسان به عنوان کانون فرهنگی ایران و بسیاری از مدارس علمی، کشته‌شدن بزرگانی چون نجم‌الدین کبری و عطّار نیشابوری و کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی، مدّاح جلال‌الدین خوارزمشاه

رباعی کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی (مقتول به سال ۶۳۵ هـ.ق) در توصیف قتل عام ۶۳۳ هـ.ق در اصفهان:

کس نیست که تا بر وطن خود گرید — بر حال تباه مردم بد گرید
دی بر سر مرده‌ای دو صد شیون بود — امروز یکی نیست که بر صد گرید

حملهٔ مغولان و پس از آن تیمور و حکومت آنان ← ویرانی بناها و آبادانی‌ها و فرهنگ و اخلاق ← سرخوردگی و ناامیدی دوستداران فرهنگ و اخلاق و انزوا و پناه‌بردن ایشان به تصوّف برای رسیدن به آرامش و روی‌آوردن به ادبیاتی با تکیه بر عواطف انسانی، روحیهٔ تسامح و تساهل (مدارا و آسان‌گیری)، خدمت به خلق، آزادگی و بی‌ثباتی دنیا

پایان خلافت عباسی و حکومت آخرین خلیفهٔ عباسی، المُستَعصِم بالله در اواخر دورهٔ مغول ← پایان رواج عربی به عنوان زبان رسمی و رونق‌گرفتن فارسی که زبان تودهٔ مردم بود.

آغاز اولین نشانه‌های تغییر سبک از زمان سلجوقیان و پیش از نابودی کامل خراسان رخ داد.

انتقال کانون‌های فرهنگی از خراسان به شهرهای عراق عجم (اصفهان، همدان، ری، اراک کنونی) ← نام‌گذاری سبک جدید به «عراقی»

(عوامل و جنبه‌های منفی) علت سستی و نابسامانی زبان و ادبیات فارسی در این دوره، مثل بسیاری از دانش‌های دیگر در اثر کشته و متواری شدن دانشمندان و ادیبان و عدم وجود دربارهای ادب‌دوست و خاندان‌های فرهنگ‌پرور بوده است.

(عوامل و جنبه‌های مثبت) گسترش زبان و ادبیات فارسی در ناحیهٔ عراق عجم با انتقال قدرت از خراسان به مرکز ایران ← تألیف آثار ارزشمندی در حوزه‌های فارس، همدان و اطراف آن‌ها و ایجاد زمینه‌های تغییر سبک از خراسانی به عراقی و نیز پدیدآمدن قالب‌های جدیدی در شعر و نثر

شعر سبک عراقی: نرم و دلنشین و برخوردار از معانی عمیق انسانی و آسمانی / روی گرداندن شاعران از حاکمان ← کمرنگ‌شدن قصیده که در خدمت فرمانروایان بود و گسترش غزل که زبان عشق بود و میدان‌یافتن مثنوی برای ظهور عاطفه، اخلاق و عرفان (**نمونه:** حماسهٔ عرفانی مثنوی مولوی که قهرمانش انسان پاک‌نهاد و خداجوی در نبرد با هوای نفس است.)

نثر سبک عراقی: ساده‌نویسی (طبقات ناصری ـ مرصادالعباد) ـ پیچیده‌نویسی با محتوای عمدتاً تاریخ حاکمان (تاریخ وصّاف ـ تاریخ جهانگشای جوینی)

– شاعران و نویسندگان این دوره –

مولانا جلال‌الدین بلخی معروف به مولوی: از شاخص‌ترین شاعران عارف / پدیدآور آثار جاودانه در دو محور اندیشه و احساس / بیان بسیاری از معارف بشری و مسائل عرفانی در مثنوی معنوی و دیوان شمس / «فیه ما فیه» و «مجالس سبعه» منثور را مولانا گفته و شاگردانش نوشته‌اند.

مکاتیب: مجموعه نامه‌های مولانا به قلم خود و نمودار بهتری از سبک نثر وی

سعدی: ملقّب به «فرمانروای ملک سخن» / تجربه‌اندوزی با سی‌وپنج سال گشتن در جهان / تألیف گلستان به نثر مسجّع و بوستان در قالب مثنوی، هر دو متضمّن درس اخلاق و حکمت ← سعدی: ضمیر ناخودآگاه ایرانی در ادبیات تعلیمی / سرآمد در سرودن غزل‌های عاشقانه / طبع‌آزمایی در بیشتر قالب‌های ادبی و به یادگار نهادن شاهکارهای ماندگار

فخرالدین عراقی: سرایندهٔ غزل‌های عرفانی زیبا / **مثنوی عشّاق‌نامه:** طرح یکی از مباحث عرفانی در هر فصل و خاتمهٔ فصل با تمثیل و حکایت / لمعات در قالب نظم و نثر: بیان سیر و سلوک عارفانه

نجم‌الدین رازی (معروف به نجم دایه): از منشیان و نویسندگان توانا و از عارفان وارستهٔ این دوره / مرصادالعباد من المبدأ الی المعاد در بیان سلوک دین و تربیت نفس انسانی با نثر گاهی ساده و گاه دارای سجع و موازنه با نقل احادیث، آیات و اشعاری از خود و دیگر شاعران در خلال موضوعات کتاب / نثری شیوا، آراسته و دل‌انگیز / برخوردار از مرتبه‌ای والا در بین متون عارفانه

عطاملک جوینی: از نثرنویسان این دوره / از خاندانی با نفوذ در حکومت مغولان / اشتغال به کارهای دیوانی از نوجوانی / حضور در سفرهای متعدّد / کسب اطلاعات فراوان دربارهٔ تاریخ مغولان / تألیف کتاب تاریخ جهانگشا در شرح ظهور چنگیز، احوال و فتوحات او، تاریخ خوارزمشاهیان، فتح قلعه‌های اسماعیلیه و حکومت جانشینان حسن صبّاح با نثر مصنوع و دشوار

خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی: از چهره‌های علمی و سیاسی عصر ایلخانان / وزیر مقتدر غازان‌خان و اولجایتو / مهم‌ترین کتابش: «جامع‌التّواریخ» به نثری عالمانه و پخته / اقدام مهم فرهنگی او: تأسیس عمارت «رَبعِ رشیدی» در تبریز که در حکم دانشگاه آن زمان بوده.

شمس قیس رازی: از نویسندگان زبردست این دوره / اثر معروفش: المُعجَم فی مَعاییر اشعار العجم، از نخستین و مهم‌ترین آثار در علم عروض، قافیه، بدیع و نقد شعر با نثر مصنوع در مقدمه و نثر ساده و عالمانه در اصل کتاب

– قرن هشتم –

بی‌اعتقادی برخی از ایلخانان مغول و بی‌تعصبی برخی دیگر نسبت به مذاهب رایج ← فرصت ابراز عقاید صاحبان مذهب‌های مختلف

گسترش قلمرو بالندگی زبان و فرهنگ فارسی: تکلّم به فارسی از شبه‌قارهٔ هند تا آسیای صغیر / مرکز ادبی این عصر: عراق عجم و مهم‌تر از آن، شهر شیراز

از بین رفتن دربارهای ادب‌دوست ایرانی‌تبار ← از رونق افتادن قصیده‌سرایی

به سستی گراییدن زبان شعر جز در سروده‌های شاعران شاخص، مانند خواجو و حافظ

خواجوی کرمانی: از غزل‌پردازان برجستهٔ این دوره / غزل‌های او بر حافظ نیز تأثیرگذار بوده / سرودن چند مثنوی به پیروی از پنج‌گنج نظامی، نشان‌دهندهٔ استادی او در شاعری / شعر او در مجموع، کمال‌یافته و پخته است.

ابن‌یمین فریومدی: شاعر عصر سربداران / مردی دهقان‌پیشه / نمود قدرت شاعری او در قطعات / تأکید بر قناعت‌پیشگی و بی‌اعتباری دنیا در شعرش

حافظ: از شاعران سرآمد قرن هشتم / به کمال رساندن غزل با تلفیق عشق و عرفان / دارای لحن گزنده، طنزآمیز و سرشار از خیرخواهی و اصلاح‌طلبی / تجلّی فرهنگ گذشتهٔ ایران با همهٔ کمال ایرانی ـ اسلامی خود در غزل حافظ / شعرش به قول خود او «همه بیت‌الغزل معرفت» است.

سلمان ساوجی: از شاعران قرن هشتم / توجّه خاص او به سعدی و مولوی در غزل / دارای قصایدی در سبک عراقی / مثنوی «جمشید و خورشید» به شیوهٔ داستان‌های نظامی

عبید زاکانی: شاعری خوش‌ذوق و آگاه / شهرت نکته‌یابی و انتقادهای ظریف اجتماعی او / بیان تزویر و ریاکاری حاکمان با برنتافتن ناملایمات اوضاع آشفتهٔ روزگار خود / بیان ناهنجاری‌های اجتماعی به شیوهٔ طنز و تمثیل در منظومهٔ «موش و گربه» / طنزهای ماندگار در نثر با شوخ‌طبعی و آگاهی، از جمله در «رسالهٔ دلگشا»، «اخلاق‌الاشراف» و «صدپند»

حمدالله مستوفی: از مورّخان مشهور / تألیف «تاریخ گزیده» دربارهٔ تاریخ پیامبران، خلفای چهارگانه، خلفای بنی‌عبّاس و تاریخ ایران تا سال ۷۳۰ هـ.ق.

– قرن نهم –

حملهٔ تیمور گورکانی بعد از غارت‌ها و ویرانگری‌های مغولان ← نابودی ابنیهٔ فرهنگی، ادبی و اجتماعی کشور و هر آن‌چه پس از حملهٔ مغول سالم یا نیمه‌سالم مانده بود، مثل فارس و یا در زمان ایلخانان مغول (جانشینان چنگیز) مختصر تجدید حیاتی یافته بود.

– حکومت تیموریان تقریباً از نیمهٔ دوم قرن هشتم تا اوایل قرن دهم همراه با ویرانگری –

تأثیرپذیری کم و بیش بازماندگان تیمور، همچون بازماندگان چنگیز، از فرهنگ ایرانی و متمدن‌شدن بعد از مدتی / گسترش هنرهایی چون مینیاتور، معماری و تذهیب، ادامهٔ تاریخ‌نویسی و رونق تازهٔ ادبیات / تألیف آثار ارزشمندی به دست امثال جامی و دولتشاه / بنیادی‌نبودن رونق ادبی این دوره / سطحی‌بودن عمدهٔ کتاب‌های تحقیقی این دوره / بدون نوآوری و تقلیدی‌بودن ادبیات این دوره

پس از مرگ تیمور، شاهرخ توانست شهر هرات را مرکز فرمانروایی خود قرار دهد / علاقهٔ شاهرخ به هنر و فرهنگ اسلامی و حمایت از هنرمندان خوش‌نویس، نقّاش و شاعر / هنرمند و هنردوست بودن بایسنقرمیرزا پسر شاهرخ / نگاشتن قرآن کریم و شاهنامهٔ فردوسی به خطّ خوش و آراستن آن‌ها با تصاویری زیبا و عرضهٔ آثاری ماندگار از هنر اسلامی در زمان بایسنقرمیرزا

– شاعران و نویسندگان معروف این دوره: –

جامی: معروف‌ترین شاعر این قرن / تألیف «بهارستان» به تقلید از «گلستان» سعدی / تألیف «نفحات‌الانس» به شیوهٔ «تذکرةالاولیا»ی عطار در بیان حقایق عرفانی و ذکر احوال عارفان / سرودن مثنوی‌هایی به پیروی از نظامی از جمله «تحفةالاحرار»

شاه نعمت‌الله ولی: از شاعران قرن نهم / دارای مقامی بلند در تصوّف و طریقت / سرسلسلهٔ صوفیان نعمت اللهی / دارای دیوان شعر با مضامین عرفانی

دولتشاه سمرقندی: از نویسندگان قرن نهم / تألیف «تذکرهٔ دولتشاه» به تشویق امیرعلیشیر نوایی در شرح احوال بیش از صد تن از شاعران ایرانی از آغاز تا زمان مؤلّف

درس هفتم دوازدهم

– الف) دورهٔ معاصر تا انقلاب اسلامی –

ادبیات معاصر: آثار ادبی پس از مشروطیت / تجدّد و نوگرایی در ابعاد مختلف زندگی ایرانیان با آغاز قرن بیستم میلادی / نمودیافتن این تحوّلات در شعر و نثر فارسی

همراهی پیدایش شعر معاصر ایران و گسترش آن، با رویدادهایی مانند انقلاب مشروطیت، پایان سلسلهٔ قاجار و سلطنت رضاشاه

سرلوحهٔ برنامه‌های رضاخان پس از به قدرت رسیدن: مدرن‌کردن همهٔ ابعاد جامعه، امّا همراه با استبداد و ارعاب آزادی‌خواهان / توجّه به نوآوری‌ها، اندیشه‌های باستان‌گرا و گاهی گرایش به شعرهای ترجمه‌ای در ادبیات دورهٔ معاصر / برکناری رضاشاه هم‌زمان با جنگ جهانی دوم در شهریور ۱۳۲۰ تحت فشار کشورهای سلطه‌گر و جانشینی پسرش، محمدرضا / کوشش‌های آغازین محمدرضا: جلب نظر روشنفکران با آزادی‌های نسبی سیاسی و اجتماعی / گسترش و تثبیت ادبیات در اثر این آزادی موقّت / انزوای برخی روشنفکران با رفتارها و سیاست‌های نادرست بعدی محمدرضا

– شعر دورهٔ معاصر –

شعر دورهٔ معاصر: شناخته‌شده با عنوان «شعر نو» / تلاش‌های آغازین تقی رفعت و افرادی مانند بانو شمس کسمایی، ابوالقاسم لاهوتی، جعفر خامنه‌ای و در نهایت نیما یوشیج در تغییر شعر فارسی از نظر قالب و محتوا ← نامیده‌شدن این افراد به عنوان پیشگامان شعر نو

تصرّف نیما در ماهیت شعر قدیم و ارائهٔ ماهیتی نو از آن ← تغییر در قالب و ویژگی‌های سخن شاعران قدیم با ایجاد تحوّل در زبان، تخیّل، احساس، معنی، فرم و ساختار شعر

ادبیات دورهٔ معاصر: از زمان مشروطه تا زمان ما ـ شروع شعر نو: ۱۳۰۰ یعنی اندکی پیش از سلطنت رضاشاه

– چهار دورهٔ شعر معاصر تا ۱۳۵۷، متناسب با رویدادهای سیاسی ـ اجتماعی –

دورهٔ اوّل: دورهٔ سلطنت رضاشاه (۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰) / دورهٔ درخشش نیما و جدال بر سر شعر کهنه و نو

دورهٔ دوم: از آغاز حکومت محمدرضاشاه تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ / آزادی نسبی فضای سیاسی نسبت به دورهٔ قبل / انتشار اشعار نیما و دیگر نوگرایان در نشریاتی مانند «روزگار نو» و «سخن» / تشکیل نخستین کنگرهٔ نویسندگان و شاعران ایران در تیر ۱۳۲۵ به عنوان مهم‌ترین حادثهٔ ادبی این دوره / شعرخوانی نیما (شعر «آی آدم‌ها») در این کنگره و پس از آن، رواج شیوهٔ نیما در کنار شعر سنّتی

دورهٔ سوم: از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ / حاکم‌شدن دوبارهٔ استبداد / ادامهٔ «شعر نو تغزّلی» که از دورهٔ قبل شروع شده بود با تقویت از طرف حکومت و تبدیل‌شدن به یکی از گسترده‌ترین جریان‌های زمان خود در دههٔ ۱۳۲۰ و اوایل ۱۳۳۰ / سرخوردگی و یأس در میان روشنفکران و شعرا، پس از وقایع ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و رواج جریان سمبولیسم اجتماعی یا شعر نو حماسی با توجّه بیشتر به مسائل سیاسی و اجتماعی و مشکلات و آرمان‌های مردم

دورهٔ چهارم: از ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ / رنگ و مفهوم تازه برای مبارزه و تشنّج فضای جامعه / ادامهٔ مسیر اجتماعی و حماسی شعر / کمال جریان ادبی دوره‌های پیشین / دستیابی بهتر و هنری‌تر شاعران به جوهر شهر / بیشتربودن مضمون نقد اجتماعی

معروف‌ترین شاعران دورهٔ معاصر: پروین اعتصامی، فریدون توکّلی، محمدحسین شهریار، نادر نادرپور، فریدون مشیری، نصرت رحمانی، فروغ فرخزاد، منوچهر شیبانی، اسماعیل شاهرودی، مهدی اخوان ثالث، احمد شاملو، سیاوش کسرایی، منوچهر آتشی، پرویز ناتل خانلری، حمید مصدق، مهدی حمیدی شیرازی، هوشنگ ابتهاج، محمدرضا شفیعی کدکنی

پروین اعتصامی: رخشنده اعتصامی معروف به پروین / از خانواده‌ای اهل شعر و ادب / نقش بسزای پدرش، یوسف اعتصام‌الملک آشتیانی، از فضلای زمان، در تربیت اخلاقی و ادبی وی / قصیده‌سرایی پروین به سبک ناصرخسرو و به روانی و لطافت سعدی / اوج سخن پروین: قطعات با توجّه به شیوهٔ انوری و سنایی / اشعاری به صورت مناظره میان دو انسان، جاندار یا شیء / وجه تمایز شعر پروین از دیگران: شکل تصرّف وی در مضامین و کیفیت ارائهٔ آن‌ها / توجّه به مضامین اخلاقی و پند و اندرز به همراه انعکاس اوضاع نامطلوب سیاسی ـ اجتماعی

سیّد محمدحسین بهجت تبریزی (شهریار): از بزرگ‌ترین شاعران غزل‌سرای معاصر / سرودن شعر به فارسی و نیز به ترکی آذری / سرودن منظومهٔ «حیدربابایه سلام» به ترکی آذری با یادکرد از اصالت فرهنگی و زیبایی‌های روستای زادگاهش / ارادت شهریار به بزرگان دین به ویژه حضرت علی علیه‌السلام و سرودن چند شعر ارزنده با این مضمون / دارای طبعی لطیف و احساسی رقیق در غزل با تأثیرپذیری فراوان از غزل‌سرایان نامی به‌ویژه حافظ

علی اسفندیاری (نیما یوشیج): بنیان‌گذار شعر نو ـ کوشش او برای نزدیکی شعر به هنجار نثر و سادگی و ایجاد تغییراتی در قالب، زبان و مضمون آن / بهره‌گیری نیما در این مسیر از واژگان روزمره، عامیانه و نو و ترکیب‌های تازه / انتشار منظومهٔ «افسانه» در سال ۱۳۰۱ به عنوان بیانیهٔ شعر نو / مهم‌ترین ویژگی‌های این شعر: تغییر در آوردن جایگاه قافیه، نگاه نو و نگرش عاطفی به واقعیات ملموس، سیر آزاد تخیّل، نزدیکی به ادبیات نمایشی ـ تثبیت جریان نوگرایی شعری نیما با سرایش «ققنوس» در سال ۱۳۱۶ / تدوین چهارچوب و طرح کار نیما در سال‌های ۱۳۰۱ تا ۱۳۱۶ / تمایز نیما از دیگر نوگرایان: با برنامه بودن / تکامل‌بخشیدن به تجدّد آغاز یافته از مشروطه و رسیده به «افسانه» در «ققنوس» با ایجاد تغییراتی در اصول و ضوابط شعر سنّتی

مهدی اخوان ثالث: از موفق‌ترین رهروان شعر نیمایی / ویژگی‌های شعر او: بیان روایی و داستانی، حماسی‌بودن زبان، کهن‌گرایی، به‌کارگیری ترکیبات زیبا و خوش‌آهنگ و برخی از کاربردهای نحوی سبک خراسانی / شعر اجتماعی و منعکس‌کنندهٔ حوادث زندگی مردم / از بهترین مجموعه‌شعرهای او: «آخر شاهنامه»، «زمستان» و «از این اوستا» / دارای زبان نمادین در بیشتر مجموعه‌ها مثل «زمستان»

– نثر دورهٔ معاصر –

شناخته‌شدن نثر سادهٔ معاصر با نثر داستانی / رواج قالب‌هایی مثل ادبیات نمایشی، سفرنامه، مقاله و ... / گرایش نثر فارسی به سادگی تحت تأثیر ترجمه از زبان‌های اروپایی در دورهٔ بیداری / ایجاد زمینه‌های گرایش به رمان‌نویسی و نثر داستانی به معنای نوین آن، از سوی عبدالرحیم طالبوف و زین‌العابدین مراغه‌ای با سفرنامه‌های خیالی خود

نخستین رمان تاریخی این دوره: «شمس و طغرا» نوشتهٔ محمدباقر میرزا خسروی

نخستین رمان اجتماعی: «تهران مخوف» نوشتهٔ مرتضی مشفق کاظمی در سال ۱۳۰۱

آغاز نثر داستانی معاصر با مجموعه داستان کوتاه «یکی بود، یکی نبود» از سیّد محمدعلی جمال‌زاده در سال ۱۳۰۱

نخستین نمایشنامه: «جعفرخان از فرنگ برگشته» به قلم حسن مقدّم در سال ۱۳۰۱

گسترش داستان‌نویسی نوین با نویسندگان نسل اوّل: صادق هدایت، نویسندهٔ «سگ ولگرد»، بزرگ علوی، نویسندهٔ «چشم‌هایش» و صادق چوبک، نویسندهٔ «تنگسیر» / رواج سبک تلفیقی در ادبیات داستانی با بهره‌گیری از داشته‌های خودمان به همراه شیوه‌های غربی / جلال آل احمد با «مدیر مدرسه» و سیمین دانشور با «سووشون»، از معروف‌ترین نویسندگان این دوره‌اند. / دیگر چهره‌ها: تقی مدرّسی، محمود اعتمادزاده، غلامحسین ساعدی و جمال میرصادقی

شکل‌گیری دوران مقاومت در ادبیات داستانی بعد از خرداد ۱۳۴۲ / شروع این مقاومت در مبارزان ملّی‌شدن صنعت نفت و سپس قیام ۱۵ خرداد ۴۲ / مضمون غالب رمان‌ها و داستان‌های این دوران: مبارزه و پایداری / نمود فضای اضطراب سیاسی و ترس ناشی از بدفرجامی و زندان در اغلب داستان‌ها / روی‌آوردن به داستان کوتاه، ترجمهٔ آثار داستانی آمریکای لاتین و همدردی با ستم‌کشیدگان دنیا از ویژگی‌های نثر دورهٔ مقاومت است ـ آشکاربودن کثرت نویسندگان

آسانی نویسندگی برای بسیاری از طبقات جامعه با بهره‌بردن از زبان عامیانه و آماده‌شدن نثر برای قبول افکار گوناگون / معمول‌شدن نوشتن داستان، تحت تأثیر رواج ترجمهٔ رمان‌ها و داستان‌های اروپایی / تغییر روش تاریخ‌نویسی و تحقیق در مسائل ادبی، تحت تأثیر آشنایی با تحقیقات و تتبعات اروپاییان / شناخته‌شده‌ترین نویسندگان دورهٔ مقاومت: احمد محمود، نویسندهٔ رمان «همسایه‌ها»، علی‌محمد افغانی، نویسندهٔ رمان «شوهر آهوخانم»، هوشنگ گلشیری، نویسندهٔ رمان «برهٔ گمشدهٔ راعی» و امین فقیری، نویسندهٔ رمان «دهکدهٔ پرملال»

– برخی از نویسندگان دورهٔ معاصر –

سیّد محمدعلی جمال‌زاده: شهرت به عنوان آغازگر داستان‌نویسی فارسی به شیوهٔ نوین با مجموعه‌داستان «یکی بود، یکی نبود» / زادهٔ خانواده‌ای روحانی در اصفهان / تحصیل در تهران / رفتن به کشورهای دیگری مثل لبنان، فرانسه و آلمان / توجّه بیشتر به سبک نویسندگی و کاربرد کلمات عامیانه و متداول در نثر داستان بیشتر از توجّه به محتوا / نزدیک‌کردن کلام را به طبع خوانندگان به شیوهٔ کسانی مثل زین‌العابدین مراغه‌ای در «سیاحتنامهٔ ابراهیم‌بیگ» و علی‌اکبر دهخدا در «چرند و پرند» / از دیگر داستان‌های جمال‌زاده: «راه‌آب‌نامه» و «تلخ و شیرین»

جلال آل احمد: متولّد در خانواده‌ای مذهبی / چند ماه خواندن درس طلبگی در جوانی در نجف / پیوستن به احزاب سیاسی پس از بازگشت به ایران / پس از آن، اشتغال به معلّمی و نویسندگی / چاپ اولین داستانش با عنوان «زیارت» در مجلهٔ «سخن» / از دیگر مجموعه داستان‌های او: «دید و بازدید» و «سه‌تار» / مشهورترین اثرش: داستان بلند «مدیر مدرسه»، نمونه‌ای کمال‌یافته از نثر پرشتاب و بریده‌بریدهٔ جلال که از آن با عنوان «نثر تلگرافی» یاد می‌کنند / توانایی جلال در تک‌نگاری، سفرنامه‌نویسی، مقاله‌نویسی انتقادی و ترجمه / از دیگر آثار او: سفرنامهٔ حج او با عنوان «خسی در میقات» و مجموعه مقاله‌های «ارزیابی شتاب‌زده»

سیمین دانشور: متولّد شیراز و دانش‌آموختهٔ دورهٔ دکتری زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران / اشتغال به تدریس هنر و ادبیات در این دانشگاه / اولین تجربهٔ داستان‌نویسی او: «آتش خاموش» / پس از آن، «شهری چون بهشت» / اوج نویسندگی او: «سووشون»، داستان زندگی زری و یوسف و اوضاع اجتماعی مردم فارس در خلال جنگ جهانی دوم / چند سال همکاری چند سال با مجلّه‌هایی مثل «نقش و نگار»، «کتاب ماه»، «کیهان» و «آرش» / دیگر فعالیت او: ترجمه‌هایی از داستان‌ها و نمایش‌نامه‌های نویسندگان مشهور خارجی

ب) دورهٔ انقلاب اسلامی

افزایش تکاپو و فعالیت جنبش‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی برای رسیدن به آزادی و استقلال کشور و جدی‌تر شدن مبارزات از قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ تا پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۵۷ / تحوّل ادبیات در این دوره همراه با دیگر ابعاد زندگی مردم ایران و شکل‌گرفتن جریانی در تاریخ ادبیات فارسی با سرآغاز در سال‌های قبل از ۱۳۵۷ / تثبیت این جریان ادبی یا پیروزی انقلاب ← نامیده‌شدن با عنوان «ادبیات انقلاب اسلامی»

شعر در دورهٔ انقلاب اسلامی:

ایجاد دگرگونی در فضای فرهنگی و هنری جامعهٔ ایران و فضایی تازه در شعر و نثر با انقلاب اسلامی ایران / به‌کارگیری اندیشه‌ها و مضامین مذهبی و عرفانی با باورهای سرچشمه‌گرفته از مکتب انقلابی و اسلامی، مانند جهاد، شهادت، ایثار، آزادگی و عشق / مهم‌ترین موضوعات ادبیات این دوره: طرح مضامین پیش‌گفته همراه با ورود برخی مظاهر فرهنگ غربی / ملموس و محسوس بودن این تغییر و دگرگونی در زمینهٔ ادبیات، به‌ویژه شعر / وجود مضامین طنزآمیز در اثر رشد طنز و انتقاد اجتماعی

درونمایهٔ سروده‌ها و نوشته‌های ادبی این دوره

محکوم‌کردن استبداد و بی‌عدالتی

ستایش آزادی و آزادی‌خواهان

ترسیم افق‌های روشن و امیدبخش پیروزی برخلاف ادبیات ناامید و مأیوس قبل از انقلاب

تکریم شهید و فرهنگ شهادت با تکیه بر اسطوره‌های ملّی و تاریخی

طرح اسوه‌های تاریخی به ویژه تاریخ اسلام مانند پیامبر اکرم، امام علی و امام حسین و چهره‌های مبارز همچون امام خمینی

تلقّی شاعران و نویسندگان از عاشورا به عنوان یک فرهنگ گره‌خورده با انقلاب اسلامی و نه‌تنها یک حادثه / رشد قابل توجّه ادبیات این دوره از ابتدا تاکنون / نمود رنج‌ها و مظلومیت ملّت‌های مسلمانی مانند فلسطین، لبنان و افغانستان در آثار شاعران و نویسندگان این دوره در اثر بیداری‌بخشی و آگاهی‌بخشی انقلاب اسلامی در میان ملّت‌های مسلمان دنیا

طبع‌آزمایی شاعران عصر انقلاب علاوه بر شعر سنّتی، به ویژه غزل، مثنوی، رباعی و دوبیتی در قالب‌های نو مانند نیمایی و سپید / تغییر زبان شعر این دوره تحوّل و دگرگونی زبان و محتوای شعر در اثر آمیختگی روح حماسی اشعار دوران مقاومت با موجی از عرفان

استمرار ادبیات معاصر در عصر انقلاب در سه شاخهٔ مجزّا از یکدیگر

۱ گروهی از شاعران و نویسندگان هماهنگ با ارزش‌ها و مفاهیم تازهٔ زندگی اجتماعی پس از پیروزی انقلاب و ادامه‌دهندهٔ شاخهٔ نیرومندی از ادب انقلاب با تکیه بر پشتوانهٔ ادبی و تلفیق آن با ارزش‌های نوین که به عنوان جریانی کمال‌یافته و پیشکسوت شناخته می‌شوند. مانند: حمید سبزواری، قیصر امین‌پور، سیّد علی موسوی گرمارودی، سیّد حسن حسینی و نصرالله مردانی.

۲ شاخه‌ای که بعد از انقلاب به همان روال گذشته در زمینه‌های متأثّر از ادبیات جهان به حیات خویش ادامه داد. گروهی از این نویسندگان و شاعران بعد از انقلاب به خارج از کشور رفتند و در آن‌جا به فعالیت ادبی خود ادامه دادند. گروهی هم در کشور به فعالیت‌های خود ادامه دادند؛ مانند: هوشنگ ابتهاج، حسین منزوی، علی‌محمد افغانی، محمود دولت‌آبادی.

۳ گروه سوم: شاخهٔ جوان ادبیات بعد از انقلاب / آغاز کار ادبی در انقلاب با پایبندی به اصول آن و قرارگرفتن به عنوان منادی اندیشه‌های انقلاب / دریافت الفاظ، بن‌مایه‌ها و تصاویر شعری از حال و هوای انقلاب و موضوعات و مفاهیم رایج در آن / مانند سلمان هراتی و علیرضا قزوه انعکاس جنبه‌های حماسی، عرفانی و مذهبی نهضت اسلامی در شعر / راهیابی فرهنگ دفاع مقدّس به شعر با آغاز جنگ تحمیلی و تحریک عواطف دینی و ملّی / تأثیر نگرش حماسی در زبان و محتوای شعر با تأثیرپذیری از فرهنگ جنگ / رواج موضوعاتی مثل مبارزه، دفاع، ایثار، شهادت، پایداری، شجاعت و میهن‌دوستی / کم‌اقبالی به شعر نیمایی در سال‌های آغازین انقلاب، در میان شاخهٔ جوان / راه‌یافتن و جا بازکردن شعر نیمایی، با مقیاسی محدود، در شعر انقلاب البته بدون عمومیت‌یافتن مثل قالب‌های سنّتی / بیشترشدن اقبال به شعر نیمایی با گذشتن از سال‌های اوّل انقلاب ـ توجّه به چهارپاره، قصیده، ترکیب‌بند و بحر طویل / نوآوری‌هایی در قالب‌های شعری، مثل قالب «غزل ـ مثنوی» (ادغام غزل با مثنوی)

– چند تن از شاعران دوران انقلاب –

قیصر امین‌پور: شاعر و نویسندهٔ انقلاب / مجموعه شعر «در کوچهٔ آفتاب»، نشان‌دهندهٔ توانایی خود در ادبیات انقلاب / تثبیت جایگاه خویش در شعر انقلاب با آثاری چون «تنفّس صبح» و «آیینه‌های ناگهان»، منظومهٔ «ظهر روز دهم» و سرانجام «دستور زبان عشق» / نثر او: ساده، امّا عمیق و عاطفی؛ مانند «طوفان در پرانتز»، «بی‌بال پریدن» و «سنّت و نوآوری در شعر معاصر»

سیّد علی موسوی گرمارودی: از پیشتازان شعر مذهبی قبل از انقلاب / وفادار به آرمان‌ها و اهداف مذهبی و انقلابی پس از انقلاب / طبع‌آزمایی بیشتر در غزل و قصیده / اشعار سپید قابل توجّه / از آثار شعری اوست «صدای سبز»، «خواب ارغوانی»، «برآشفتن گیسوی تاک» و «گوشوارهٔ عرش»

سلمان هراتی: از شاعران نواندیش و معروف شعر انقلاب / معلّمی خوش‌ذوق / درگذشت در سال ۱۳۶۵ و در سن جوانی در یک حادثهٔ رانندگی / آثارش: مجموعه‌های «از آسمان سبز»، «از این ستاره، تا آن ستاره» ویژهٔ نوجوانان و «دری به خانهٔ خورشید»

ادامهٔ نثر این دوره به‌ویژه در داستان‌نویسی و توجّه نویسندگان به تجربه‌هایی بدیع و کم‌سابقه در کنار دیگر مضمون‌های اجتماعی و فلسفی / تکامل طبیعی ادبیات داستانی برخلاف شعر / ایجاد تغییراتی در محتوا و نیز در فنون و سبک داستان / کم‌رنگ‌بودن جایگاه نسل جوان در داستان‌نویسی دههٔ ۶۰ برخلاف شعر / تجربهٔ نویسندگی اغلب پیشکسوتان نویسندگان موفّق این دوره در سال‌های قبل از انقلاب / حفظ ارتباط آنان با پیشرفت‌های جهانی از طریق دانستن زبان بیگانه یا خواندن ترجمهٔ داستان‌های خارجی و عرضهٔ تجربیات نوینی حاصل از تحولات سیاسی اجتماعی به صورت داستان / نمونه‌ها:

- محمود دولت‌آبادی با رمان «روزگار سپری‌شدهٔ مردم سالخورده»
- احمد محمود با رمان «مدار صفردرجه» و «زمین سوخته»
- اسماعیل فصیح با رمان «زمستان ۶۲»
- هوشنگ گلشیری با داستان «آینه‌های دردار»

فقدان مهارت کافی در نسل جوان انقلاب برای بیان ادبی تجربه‌های خود / لزوم تأمّل در آثار قدما و آشنایی با ادبیات جهان برای کسب چنین مهارتی / آغاز و ادامهٔ کار این نسل با داستان کوتاه / تجلّی ادبیات داستانی و نثر پس از انقلاب در داستان کوتاه به شکل فراگیر / مشاهدهٔ تدریجی رمان‌ها و داستان‌های بلند در آثار این نسل / گرایش شدید این نسل به آثار و نوشته‌های سیاسی، اجتماعی و انقلابی ← رونق فضای نشر و نگارش در کشور

آغاز فعالیت مجدّد کانون نویسندگان ایران پس از پیروزی انقلاب ← کشمکش سیاسی ـ عقیدتی ← انشعاب حزب توده از کانون / شکل‌گیری دو جبههٔ متفاوت در اقشار جامعه و به خصوص اهل فکر و فرهنگ در اثر شرایط سیاسی و اوضاع جنگی:

۱ نویسندگان مذهبی حامی نظام اسلامی ۲ جناح نویسندگان دگراندیش

دوران اوج شکوفایی رمان‌نویسی در ایران: سال‌های پس از جنگ تقریباً در سراسر دههٔ ۷۰ / داستان‌نویسان مذهبی: ثبت خاطرات حماسه‌های دوران جنگ و عوالم معنوی آن و یا پاره‌ای مفاهیم نوظهور اجتماعی / طیف نویسندگان جناح دیگر: پرداختن به تضادها و تناقض‌های روحی انسان معاصر و رویارویی با تحرکات فکری ـ سیاسی داخلی یا خارجی با دیدی جزئی‌نگر

چند تن از نویسندگان داستانی نسل انقلاب: علی مؤذّنی، سیّد مهدی شجاعی، احمد دهقان، محمدرضا سرشار، رضا امیرخانی، حبیب احمدزاده و مصطفی مستور

رشد چشمگیر گرایش به خاطره‌نگاری و زندگینامه‌نویسی در دههٔ هفتاد و پس از آن / نثر ادبی (قطعهٔ ادبی) و ادبیات نمایشی نیز در این دوره قابل اعتنا و توجّه است.

– چند تن از نویسندگان دوران انقلاب –

محمدرضا سرشار: معروف به «رضا رهگذر» / مشهور در حوزهٔ کودکان و نوجوانان / فعّال در قصه‌نویسی، قصه‌گویی، تدریس و فعالیت در نشریات تخصّصی و مباحث پژوهشی ادبیات کودک و نوجوان / «اگه بابا بمیره» و «مهاجر کوچک»: از آثار او در حوزهٔ قصّه‌های کودک و نوجوان / فعالیت‌های مطبوعاتی در مجلّه‌های رشد دانش‌آموز، قلمرو، سوره و پویش

علی مؤذّنی: فعّال در عرصهٔ داستان کوتاه، داستان بلند، رمان، نمایش‌نامه و فیلم‌نامه / دارای رویکرد خاص و عمیق در حوزهٔ ادبیات دفاع مقدّس / از آثار او: «ظهور»، «سفر ششم»، «ملاقات در شب آفتابی» و «دلاویزتر از سبز»

سیّد مهدی شجاعی: تحصیل در رشتهٔ ادبیات نمایشی (دراماتیک) / همکاری در چند روزنامه و مجلّه مثل جمهوری اسلامی، رشد جوان و صحیفه / چاپ چند نمایشنامه / آثاری در داستان‌نویسی، ادبیات کودک و نوجوان و قطعهٔ ادبی / از آثار او: «بدوک» (فیلم‌نامه) «ضیافت»، «جای پای خون» و «کشتی پهلوگرفته»، تجربه‌های داستانی او خصوصاً در زمینهٔ ادبیات مذهبی